



وعده می "سلطانی!"

ما قبلاً و بارها گفتیم که زمانه ما زمانه تغییر و طرح پرسش های کلان است و سخت نیازمند پاسخ های روشن. کسانی که باید از اتفاقات، حوادث و دسائیس و توطئه ها پرده بردارند و حقیقت مسایلی را که در کشور گذشت و می گذرد توضیح بدهند؛ بدبختانه در یخچال سکوت، لنگر انداخته و حد اقل به پاسخ، پرسش هایی توجیه پذیر به مسایل و چرایی تحریم کنگره و جلسات آماده گی آن نیز نه پرداخته اند. در نشست کسل آن همه مسایل مهم به نقد و بررسی کارشناسانه قرار نگرفت.

نشست کسل؛

الزامی نبود، چون حزب واحد کنگره خود را دایر کرده بود.

اصولی نبود، چون نصاب جلسه تکمیل نبود.

منطقی نبود، چون بر محور ایجاد ساختار موازی با عین برنامه و اساسنامه می چرخید.

و اما چند تا مساله ریاضیک و تخنیکی در خبر نشست شورای انشعابی :

شورای اروپایی حزب واحد شامل 121 عضو بود، بر اساس پرنسیپ های تشکیلاتی، اشتراک دوثلث اعضا برای تکمیل نصاب الزامی بود. در حالیکه در نشست کسل، نه دو ثلث که 82 عضو میشد و نه حد اقل اکثریت 1+50، بلکه کمتر از 50 فیصد اعضای شورای اروپایی حزب قبلی (واحد) اشتراک کرده بودند. از قرار معلوم محترم رزمیار تعداد اعضای شورای اروپایی را که در نشست اشتراک نموده بودند 33 نفر اعلان نمود. براساس نرم جلسات، نصاب تکمیل نبود و جلسه رسمیت نداشت. مهمتر اینکه برچسب زدن این نشست با "حزب واحد" که، به مفهوم دیروزی آن، دیگر وجود خارجی ندارد، تلاشی است که آینده ندارد.

در خبر می خوانیم:

❁ "دومین اجلاس شورای اروپایی حزب واحد با اشتراک اعضای شورای اروپایی برخی از کادر ها و فعالان شورای اروپایی حزب واحد و عده یی از مهمانان دعوت شده در سالون یاسمین در شهر کسل کشور المان برگزار گردید."



شورای اروپایی کدام مزب وامد؟

پس از تدویرکنگره حزب واحد و انتخاب نام جدید برای حزب واحد(حزب متحد ملی افغانستان)، نام موقت حزب واحد به تاریخ سازمان سیاسی ما سپرده شد. سازماندهی های این شورای انشعابی همانهایی هستند که دستور تحریم کنگره و اجتناب رفقا از اشتراک در جلساتی که برای آماده گی های لازم در جهت تدویر کنگره اتخاذ شده بود را داده بودند. آنان حق دارند تشکیلات قبلی خود را احیا کنند، ولی "حزب واحد" دیگر فقط نامیست درج تاریخ حزب.

✿ "اجندا و طرزکارجلسه و همچنان ترکیب هیات تحریر ... به **گفتمان** گذاشته شد که به اتفاق اراء پذیرفته گردید. "

اجندا به **بحث** گذاشته میشود نه به **گفتمان**؛ **گفتمان** بار مفهومی و کاربردی دیگر دارد.

✿ "سپس داوود رزمیار رئیس شورای اروپایی حزب واحد گزارش اساسی کار و فعالیت های شورای اروپایی را میان دو اجلاس **پیشکش** نموده"

گزارش **پیشکش** نمیشود، **ارایه**، **قرائت** و **یا بخوانش** گرفته میشود. **پیشکش** نمودن (کردن) مورد استعمال دیگر دارد.

✿ "رهبری حزب متحد ملی تصمیم گرفت تا کنگره خود را جدا گانه بر گزار نماید. ما برای آنها در راه جدیدی که انتخاب کرده اند، پیروزی تمنا می کنیم و راه خود را ادامه می دهیم. پروسه وحدت یک پروسه طویل المدت و دوامدار است."

از لطف شما عزیزان سپاسگذاریم، راهی را که انتخاب کردیده اید مبارکتان باد. عاقلانه تر می بود اگر از از جدایی و دوگانگی جلوگیری میکردید؛ دهها راه حل وجود داشت و دارد.

جالب است که هنوز هم در فکر پلان های طویل المدت هستید و برای تحقق وحدت، پلان بیست و پنج ساله ساخته اید. آفرین غم وحدت سازمانی نواسه های مانرا نیز خورده اید! برای خود خوب آش بریدید که برای آنها سیمیان ببرید.

اما، یکبار دیگر تکرار میشود که چرا کنگره برگزار کردید:

کنگره بر اساس حکم طرزالعمل ادغام تشکیلاتی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان دایر گردید که در آن چنین توافق صورت گرفته بود:



"ادغام تشکیلاتی شوراهای رهبری کننده هردو حزب (تاسیس شورای واحد رهبری کننده) اعتبار از تاریخ تصویب این سند توسط رهبری هردو حزب، آغاز و حداقل الی اخیر جنوری ۲۰۱۰ مطابق برج دلو ۱۳۸۸ به پایه اکمال میرسد و تدویر کنگره حداقل طی شش ماه صورت میگیرد."

با در نظر داشت حکم بالا، و تقاضای اکثریت قریب به اتفاق کادرها، فعالین و اعضای حزب واحد در داخل و خارج کشور، بخصوص تقاضای بسیار جدی کمیته اجرائیه شورای اروپایی حزب واحد، و خواست اکثریت مطلق نماینده های منتخب برای کنگره، کنگره دایر می گردد. از جمله 472 نماینده منتخب، 383 نماینده منتخب در کار کنگره اشتراک فزینی و فعال می کنند. نماینده هایی که در نتیجه انتخابات در کنفرانس هایی شورا های واحد برگزیده شده بودند و نمایندگی از حزب واحد می کردند. چطور ممکن است بعد از ادغام تشکیلاتی و تدویر کنفرانس های واحد، باز هم گفت آنها نماینده های حزب واحد نیستند از حزب متحد ملی هستند و کنگره کنگره حزب متحد ملی بود.

تغییر در فکر و ساختار و کردار

محوری ترین و اساسی ترین مساله در طول نشست کسل که میشود آنرا بمتابیه روح این نشست تفسیر و تعبیر نمود، مساله وارد کردن ریفورم در نظام فکری و ساختاری و شیوه های کرداری یعنی طرز برخورد با مسایل و کادرها در سازمان اروپائی، بود.

ریفورمی که ما سالهاست برای آن مبارزه کردیم و میکنیم. ما این طرح ها و نظرات را بار بار در جلسات مطرح کردیم، در مورد نوشته ها کردیم. ولی تیم رهبری بخصوص رئیس شورای اروپایی آن زمان اصلا گوش شنوا و ظرفیت پذیرش تغییر را از خود نشان ندادند. در واقع یکی از دلایل شکستن سازمان اروپائی و این همه ماجرا ها همین مساله است. یعنی این که سازمان اروپائی و در مجموع حزب چه فکر و چه ساختاری را اختیار کند.

از رفقا داکتر بها، زلمی رزمی، مرضیه و سایر رفقا که بالای اساسی ترین معضل سازمان اروپایی مکث نمودند و پرسش های مهمی را مطرح و طالب توضیحات مسئولانه شدند، سپاسگذاریم. بارها گفتیم که ساختار توری شورای اروپایی و شیوه کار آن بخصوص شیوه کار منفعلا نه رئیس آن، شورا را بطرف نابودی می کشاند.

سازمانی که سیاست و بر نامه کارش معلوم نباشد و در صحنه سیاسی حضور فعال پیدا نکند، منزوی و پاشان میشود. رهبری که از کادرها و فعالین خود مواظبت همیشگی نداشته باشد، کادر های آن فراری میشوند. رهبری سازمانی که از انتقاد ترس و از پیشنهاد نفرت داشته باشد سرنوشت آن محتوم به تباهی می باشد. چرا نوشتیم "نامه که انتحاری شد"، بخاطری که مضمون نامه انتقاد و پیشنهاد بود و رئیس شورا و اطرافیان شان تحمل شنیدن انتقاد و رسیدگی به پیشنهاد را نداشتند. به این سبب نامه، چون بمبی منفجر گردید. بحران قبلا آغاز شده در شورای اروپایی از همان طرز برخورد شتاب آلود و خصمانه با نامه،



شدت گرفت.

بر خورد ناشیانه و غیر مسئولانه با نامه تا امروز ادامه دارد. در نامه آقای فهیم ادا به سایت آریائی همین هفته که خواسته است دامن خود را از لوٹ و بلاک داور پاک کند، که به مشکل از عهده آن برآمده است، بصورت ضمنی به آن نامه هم اشاره شده و آنرا مایه شکستن وحدت معرفی نموده است. اما از اجراءات خود و دیگران در رهبری سازمان اروپائی در قبال آن حرفی به میان نیاورده است. کمال یک رهبری در آن است که بتواند در مواقع بحران با اقدامات و اجراءات مقتضی و موثر، سازمان را حفظ کند.

تصادم، ابتدا از مداخله بیمورد در امور سا زمانی که عملاً در وحدت با آنها گام محکم گذاشته بودند عمدتاً در سویدن و آلمان آغاز گردید، سپس مداخله غرض آلود در امور داخلی حزب متحد ملی در جریان کنفرانس اروپائی، آنرا تا سر حد رویارویی فزیک کشاند.

اقدامات آنقدر غیر اصولی بود که حتی صبر نکردند که جلسه کمیته اجرائیه دایر شود تا اعضای هیات رئیسه بر اساس طرز العمل از آن طریق انتخاب گردد. هیات رئیسه را در کنفرانس شورای اروپایی انتصاب کردند و این خود یک انحراف آگاهانه تشکیلاتی با نیت ناپاک بود.

آن انتصاب بصورت قطع صادقانه نبود. رفیق شمس به رسم اعتراض با آن مداخله سریع، آشکار و غرض آلود در کار سازمان دیگر، کنفرانس را ترک کرد. حتی رفیق طلا پامیر هم نتوانست بی نظمی های کنفرانس را تحمل کند و کنفرانس را از نیمه ترک و به گوشه خلوت خانه پناه برد. در این نشست نیز از همان بازی های نا مقدس استفاده بردند.

سازماندهنده های شورای انشعابی، در اجلاس کسل، سه رفیق را از هیات رئیسه ظاهراً بخاطر داشتن ارتباط سازمانی با حزب متحد ملی سبکدوش کرده اند، که خانه پدر شان آباد. خنده دار اینکه فرق نمی کند این رفقا در حالیکه عضویت حزب دیگر را دارند عضویت "کمیته اجرائیه!" و "شورای اروپائی!" را نیز داشته باشند. با این برخورد دوگانه، متضاد و متناقض، ناتوانی تصمیمگیری خود را تسجیل کردند!.

یک بازی رندانه دیگر را هم با حفظ عضویت رفقا بشیر سنگر و شمس الحق شمس در هیات رئیسه، انجام داده اند. همه آگاهی دارند که رفیق شمس از مدتها قبل این شورای را مشروع نمیدانست و استدلال میکرد که این شورا بر بنیاد ارایه ارقام نادرست تشکیلاتی بنا یافته است. و با آن قطع رابطه کرده بود. عدم اشتراک رفقا در نشست کسل، گواه و مصداق برسمیت نشناختن آن نشست است.

وعدۀ سلطانی

رفقای عزیز ، لطفاً شوخی نکرده و یکبار دیگر وعدۀ کنگره را به رفقا ندهید. اگر شما واقعاً وحدت میخواستید و آنهم از طریق کنگره، چرا از آستانه کنگره حزب واحد فرار و به وحدت پُشت کردید؟.



وقتی دو سند بسیار اساسی و حیاتی برای یک سازمان سیاسی برنامه و اساسنامه حزب مشترکاً تهیه و بر متن نهایی آن توافق شده بود، پس مشکل حل نا شدنی چه بود که آن کنگره و آن وحدت را نپذیرفتید. چه بخواهید چه نخواهید، چه بپذیرید چه نپذیرید، مسئولیت فرار از وحدت و کنگره بدوش شماست. هیچکس نمیتواند این حقیقت را کتمان کند. اگر چیزی (های) بود که تا آنگاه حل نشده بود(ند)، بسیار خوب؛ چرا برای حل آنها پیشنهاد ندادید و جلسه دایر نکردید؟ و یا چرا در جلساتی که به همین منظور دایر شده بود اشتراک نوزدید؟. چرا حتی یک متن ولو کوچک برای روشن شدن ذهن رفقا منتشر نکردید؟. از بهانه تراشی های امروزی هیچ چیزی بدست نمی آید.

نوشته اند:

"سلطانی در یک شب سرد زمستان از قصر خارج شد. هنگام بازگشت سرباز پیری را دید که با لباسی اندک و نازک در سرما از قصر نگهبانی میکند. از او پرسید:

آیا سردت نیست؟

نگهبان پیر گفت: چرا ای سلطان اما لباس گرم ندارم و مجبورم تحمل کنم. سلطان گفت: من الان داخل قصر می روم و می گویم یکی از لباس های گرم مرا را برایت بیاورند. نگهبان ذوق زده شد و از سلطان تشکر کرد. اما سلطان به محض ورود به داخل قصر وعده اش را فراموش کرد.

صبح روز بعد جسد سرمازده پیرمرد را در حوالی قصر پیدا کردند، در حالی که در کنارش با خطی ناخوانا نوشته بود:

ای سلطان من هر شب با همین لباس گم سرما را تحمل می کردم اما وعده ی لباس گرم تو مرا از پای درآورد..."

وعده "سلطانی!" کنگره را ندهید که بد مستی در کُنج مطبخ گرم سلطان؛ نشود، مجال تان ندهد و کسانی در انتظار تلخ در چهار راه تصمیم، مایوس و افسرده....

آرزو می بریم، روزی را که تفاوت ها، ابزار یاد گیری باشند و نه سبب نفرت و جدایی!

هیات تحریر وطن